



پادداشت

سرمایه داری متحد، چپ متفرق

صادق کار



بیش از سه دهه است که شاهد افزایش فزاینده اعتراضات مطالباتی کارگران هستیم. امسال این اعتراضات بخصوص در ماه های اخیر بعد از یک رشته تعرضات دامنه دار دولت رئیسی و مجلس به ته مانده حقوق اولیه کارگران و بدتر شدن وضعیت معیشتی آنها و سایر مزد و حقوق بگیران شتاب بیشتری گرفته و به اوج خود رسیده است.

طبق یک آمار تهیه شده توسط یکی از نهادهای کارگری مستقل تنها در طول دیماه ۱۲۴ اعتراض کارگری توسط بازنشستگان و شاغلین در کشور انجام گرفته است. یعنی، روزی حداقل ۴ مورد اعتراض و اعتصاب خیابانی.

اعتراض و نارضایتی در میان کارگران و مزد و حقوق بگیران اگر آنهایی را که به اعتراض خیابانی کشیده نمی شود را نیز در نظر بگیریم چند ده برابر اعتراضات خیابانی است. اعتراضات در حالی به شکل فزاینده ای ادامه پیدا می کنند که جو سرکوب و اختناق و تهدید نیز در اوج خود قرار دارد و حکومت از همه ی امکانات خود برای کند و متوقف کردن اعتراضات بهره می گیرد و از هیچ خشونت در این کار فروگذار نمی کند.

فشار و سرکوب و اعمال مجازاتهای سنگین خاصه به بخشهای سازمانیافته کارگران و مزد و حقوق بگیران بیشتر است. برخورد های سرکوبگرانه با فعالین و رهبران تشکلهای مستقل معلمان و محکوم کردن رهبران. سندیکای واحد به زندان های طولانی و بازداشت فعالین کارگری دیگر، بر این امر دلالت دارد.

اعتراضات البته محدود به کارگران و مزد و حقوق بگیران نیست. اعتراض و نارضایتی و بیزاری از حکومت و از شرایط زندگی در میان اکثریت گروه های اجتماعی نیز گسترده است و نحوه رفتار حکومت با زنان، دانشجویان، فعالان حقوق بشر، پزشکان، وکلا، روشنفکران و روزنامه نگاران مشابه و با فعالین و احزاب مناطق ملی و قومی و اقلیت های دینی، از همه خشنتر است. هراس رژیم از وقوع انقلاب مردمی به حدی زیاد شده است که حتی در آستانه انتخابات فرمایشی مجلس و خبرگان نیز نه جرات کاستن از سرکوب مردم را دارد و نه می خواهد به مطالبات مخالفان رسیدگی کند.



علل مختلفی را می توان برای بی پاسخ گذاشتن مطالبات برشمرد، اما از میان آنها مهمتر از همه خاصه تا آنجا که به برخورد رژیم به مزد و حقوق بگیران بر می گردد، وجود پراکندگی و تفرقه غیر قابل توجیه در میان نیروهای چپ و عدالتخواه است که بیشترین نقش را در خیره سری حکومت دارد. این تفرقه و پراکندگی و سکتاریسم غیر قابل توجیه نیروهای چپ از سوی دیگر در به نتیجه نرسیدن اعتراضات نقش اساسی دارد. این در حالی است که نیروهای سرمایه داری که همگی بخش های آن، از حکومتی و سلطنت طلب گرفته تا لیبرال و جمهوریخواه حداقل بر سر استثمار و فشار به نیروی کار به رغم اختلافات دیگرشان نزدیکی دارند و در مواقع ضرور مواضع کم و بیش یکسان اخذ می کنند و مصلحت و اختلافات شان را از هم تمیز می دهند.

برای نمونه در زمان خاتمی و روحانی، اکثر گروه های سلطنت طلب و لیبرال و جمهوریخواه از برنامه های اقتصادی آنها که بی حقوق سازی نیروی کار بخشی از اجزا مهم آن بود حمایت می کردند و هنگام انتخابات این دو برای رای دادن مقابل سفارت خانه های رژیم در کشورهای مختلف به صف شده بودند.

در درون جناح های خود رژیم نیز همه ی جناح ها بر سر برخورد با حقوق کارگر اشتراک نظر داشته و دارند. اگر اختلافی هست، سلیقه ای و بر سر نحوه پیشبرد آن است.

متأسفانه در حالی که می بینیم بر سر برخورد با حقوق نیروی کار میان طیف های مختلف جریانات سرمایه داری ایران اعم از حاکم و مخلوع نزدیکی نظر و رویه وجود دارد، و بخشهای غیر حکومتی سرمایه داری نیز در حال متحد کردن خود هستند، نیروی های چپ و عدالتخواه در تفرقه و پراکندگی بسر می برند و همین باعث می شود نتوانند در روند های جاری آنچنان که بایسته و شایسته است اثر بگذارند.

ما در حالی که خود در پراکندگی و تفرقه به سر می بریم، شعار اتحاد و همبستگی می دهیم و حداقل در همان حد جریانات مختلف سرمایه داری هم نتوانسته ایم آنجا که مربوط به دفاع از حقوق زحمتکشان است فعالیت هایمان را هماهنگ و یک کاسه نماییم.

پلورالیسم و تکرر و اینکه نیروی چپ از نحله های مختلفی تشکیل شده، بجای خود واقعیتی است غیر قابل انکار، ولی زمانی که تبدیل به عامل ضعف و تفرقه بشود، هیچ کمکی به بهبود وضعیت نیروی کار نمیکند که هیچ، به سرمایه داران امکان می دهد با آسودگی بیشتری حقوق نیروی کار را از بین ببرند و استثمار آن را تشدید نمایند.

اینکه رژیم تمرکز خود را روی سرکوب بخش های سازمانیافته نیروی کار، مانند کانون های صنفی فرهنگیان و سندیکای واحد و بیشتر سرکوب سندیکای هفت تبه و امثالهم قرار داده دلیلی به غیر از جلوگیری از اتحاد و سازمانیابی طبقه کارگر و وحشت از متحد و متشکل شدن زحمتکشان ندارد.

در سالگرد انقلاب ضد دیکتاتوری ۵۷ اعتراضات مردمی علیه رژیم هیچوقت نه در حد و اندازه امروز بوده و نه موقعیت رژیم به اندازه امروز متزلزل بوده و نه پایگاه اجتماعی رژیم این همه لاغر و نحیف بوده است.

نیروی چپ اگر نجنبند و نتواند حداقل برای ایجاد یک همگرایی بین طیف های مختلف خود بوجد آورد، قادر نخواهد شد تاثیر چندانی روی تحولات قریب الوقع کشور به نفع زحمتکشان از خود بجا بگذارد. زمینه های زیادی وجود دارد که نیروی های چپ به رغم اختلافاتی که با هم دارند می توانند با هم همکاری نمایند.

از جنبش نه به اعدام برای متوقف کردن و ابطال احکام اعدام حمایت و به آن بپیوندید!

ما از جنبش زن، زندگی، آزادی و مطالبات دمکراتیک و مترقی آن حمایت می کنیم!



برقرار و مستحکم باد پیوند میان جنبش زن، زندگی آزادی با جنبش مطالباتی کارگران و مزد و حقوق بگیران!

کار کودک، تحصیل، گزینه های سیاستگذاری بخش سوم
نویسندگان: جی پانوبی، میما پریسیک، نادین پراولت، جورج لارنا-آجی، نورین خان یونسکو، قسمت سیاستگذاری و برنامه



مفهوم و تعریف سازمان یونسکو کار از کار کودک 1.2

یونیسف با تأکید بر اهمیت منظورداشت کار خانگی، و نه فقط کار اقتصادی توسط کودکان، تعریف سازمان بین المللی کار از کار کودک را گسترش داده است. یونیسف کار کودک را چنین تعریف می کند:

1. کودکان 5 تا 11 ساله که در هر نوع فعالیت اقتصادی یا 28 ساعت یا بیشتر در هفته به کار خانگی اشتغال دارند؛
2. کودکان 12 تا 14 ساله که در هر فعالیت اقتصادی (به جز کار سبک کمتر از 14 ساعت در هفته)، یا 28 ساعت یا بیشتر در هفته به کار خانگی مشغول اند؛
3. کودکان 15-17 ساله درگیر در هر نوع کار خطرناک

تعریف یونیسف این مزیت را دارد که از نظر تئوری تمام کارهایی را که کودکان انجام می دهند به تصویر می کشد. مطالعه بر روی 18 کشور در جنوب صحرای آفریقا نشان می دهد که این شاخص بهبودیافته، نشان دهنده کار کودکان به ویژه دختران است که در غیر این صورت پنهان می ماند. در نتیجه این تدقیق، به همان تعداد پسران، دختران نیز در کار کودکان یافت می شوند. روشن است که این کیفیت، با آنچه تعریف سازمان بین المللی کار به دست می دهد و به موجب آن کشیده شدن پسران به کار کودک احتمال بیشتری دارد، متفاوت است.

به برخی از محدودیت های تعریف یونیسف به دلایل متعدد اشاره می کند. کار (Huebler) با این حال، هیوبلر کودکان، از دیدگاه هیوبلر، به دو دلیل نگران کننده است: الف) می تواند برای سلامت کودک مضر باشد؛ ب)



می تواند در تحصیل کودک اختلال ایجاد کند. تعریف یونیسف نشانگر خوبی از کار کودکان است که برای رشد جسمی یا ذهنی کودک مضر است. با این حال، برای تجزیه و تحلیل نوسان کودک بین بازار کار و حضور در مدرسه ارزش محدودی دارد. این واقعیت که تعداد معینی از کودکان در یک کشور، طبق تعریف یونیسف، به کار کودکان مشغول اند، به این معنا نیست که باقی کودکان آزاد اند و در مدرسه حضور دارند. نگرانی سوم، سوگیری احتمالی این تعریف هنوز علیه دختران است. در تعریف یونیسف در مورد تعداد ساعاتی که کودکان اجازه دارند، بی آن که کارگر در نظر گرفته شوند، به برخی فعالیت های اقتصادی اشتغال داشته باشند، ایرادی وجود دارد. فرض کنید پسرها فقط کارهای بازار را انجام می دهند و دختران فقط کارهای خانه را. یک پسر 10 ساله باید فقط 1 ساعت در هفته کار کند تا به عنوان کودک کار در نظر گرفته شود، در حالی که یک دختر در همان سن باید حداقل 28 ساعت در هفته کار کند تا کودک کار به حساب آید. علاوه بر این، دانستن این که کودک در چه ساعاتی کار می کند و این که آیا این امر در حضور و پیشرفت تحصیلی او دخالت دارد یا خیر - صرف نظر از قانونی بودن چنین کاری - بسیار مفید خواهد بود.

به دلایلی که در بالا ذکر شد، هیوبر استدلال می کند که یونیسف باید در روش تخمین کار کودکان تجدید نظر کند. در درجه نخست باید آماری از همه کارهای انجام شده توسط کودکان گزارش شود، و نه تنها کارهایی که تحت تعریف موجود از کار کودک قرار می گیرند. ثانیاً یونیسف باید به دنبال راه هایی برای توجه لازم به کار خانگی باشد، زیرا به نظر می رسد محدودیت فعلی 28 ساعت در هفته بسیار زیاد است و موجب سوگیری علیه دختران می شود.

با این وجود، ما برای تجزیه و تحلیل خود در بخش های بعدی مقاله به طور گسترده بر داده های یونیسف تکیه می کنیم. ما نگرانیهای هیوبر در باره محدودیتهای تعریف یونیسف از کار کودک و در نتیجه استنتاجات آن را تصدیق می کنیم. با این حال، متذکر می شویم که تعریف و داده های یونیسف نسبت به تعریف سازمان بین المللی کار بهبود یافته است، به ویژه در ثبت آن دست کارهای خانگی که برای رشد و تکامل کودک مضر اند. همچنین مشارکت دختران در کار کودکان نیز در داده های یونیسف بهتر به تصویر کشیده شده است.

بدیهی است که یکی از نتایج این مقاله درخواست از یونیسف، سازمان بین المللی کار و سایر بازیگران اصلی برای رفع نگرانیهای برشمردن توسط هیوبر در تعریف کار کودک، و جمع آوری و گردآوری داده هاست. البته ما امکان بیش از یک تعریف و معیار برای کار کودک را رد نمی کنیم، با این تصریح که هر معیار اهمیت و تأثیر منحصر به فرد خود را برای نفی کار کودک داشته باشد. یا شاید حتی ممکن است رشته ای از اقدامات وجود داشته باشد، که در حین حرکت از اقدامی به اقدام دیگر، تعریف پدیده های پیچیده را ممکن سازد*. ما وارد این مسائل مربوط به تعاریف نمی شویم و تحلیل حاضر را بر اساس تعریف یونیسف و داده های مربوط به کار کودکان محدود می کنیم.

روش مشابهی را می توان در نحوه تعریف «عرضه پول» در اقتصاد یافت. هرچه هست، اصل همانا عرضه* نقدینگی در اقتصاد است، اما تعریف زمانی جامع تر می شود که اعتبارات بانکی و سایر ابزارهایی را که مستقیم یا غیرمستقیم موجب ایجاد پول در اقتصاد می شوند، در نظر بگیریم. در این حالت هر تعریف دارای اثرات و نتایج متفاوتی خواهد بود و بسته به ماهیت تحلیل، واجد جهاتی گزینشی خواهد بود.

کمیته های اعتصاب را در کارخانه ها و ادارات تشکیل دهیم!

اتحاد، اعتراض، اعتصاب، نبرد تا رهایی!



نوع تازه‌ای از فضا سازی برای کاهش دستمزدها

صادق



هر سال زمانی که بحث افزایش دستمزد مطرح می شود، فضا سازی نهادهای کارفرمایی و عوامل رنگا رنگ آنان در رسانه‌های که به نوعی مدافع کارفرمایان هستند و در نهادهای دولتی نیز حضور موثر دارند شروع می شود. در سالهای اخیر همزمان با تلاشهای پر شتابی که برای برچیدن بساط قانون ناظر بر تعیین حداقل دستمزد در جریان بوده است، برای آزاد سازی دستمزد و واگذار کردن آن به توافق کارگر و کارفرما حتی مدیران نهادهای موسوم به خیریه نیز به که اساسا موضوع دستمزد و قانون کار ربطی به آنها ندارد وارد معرکه شده و به این کاروان ملحق شده‌اند.

دولت رئیسی و وزیر کار او در واقع برآمده از میان این جماعتی است که به قصد محقق کردن افکار ارتجاعی و سود پرستانه این جماعت حریص و طعمام به مقام وزارت کار برکشیده شده و موفق هم شده است گام‌های مهمی در راستای ماموریتی که به عهده اش گذاشته شده به پیش بردارد.

آنها می خواستند که دستمزدها منطقه ای شود، این خواسته امسال قرار است عملی شود، می خواستند دستمزدها کمتر از نرخ تورم افزایش و بصورت تدریجی کاهش داده شود این درخواست نیز از سال پیش اجابت شد و امسال نیز می خواهند چند درصد دیگر دستمزد و حقوق ها را کاهش دهند، می خواستند بیمه کارگران ساختمانی را بی اثر کنند، مجلس این کار را برایشان کرد. مایل بودند مناسبات استاد شاگردی را احیا کنند، سن بازنشستگی را زیاد و حقوق بازنشستگی را کم کنند، سن بازنشستگی در کارهای سخت و زیان آور را زیاد و مشاغلی را که شامل قانون می شد به حداقل برساند، بیمه تامین اجتماعی را تعدیل کنند، همه ی این خواسته‌ها را نیز دولت رئیسی و وزیر کار اش اجابت کردند. حذف ته مانده هر قانونی که ذره‌ای جنبه حمایتی داشته باشد را نیز در دست اقدام دارند و منتظرند انتخابات فرمایشی مجلسین که تمام شد، آن را ابلاغ و به اجرا بگذارند.

با این وجود آنها هنوز راضی نیستند، امسال یک فضا سازی دیگر برای کمک به جا انداختن طرح کاهش و منطقه‌ای کردن دستمزدها ست توسط چند رسانه کارفرمایی به راه انداختند و گزارشی را منتشر کردند مبنی بر اینکه کارگران خودروسازی های دولتی ۲۵ تا ۶۵ میلیون تومان حقوق می گیرند و نتیجه گرفتند که علت گرانی خودرو وجود دستمزدهای بالای کارگران ایران خودرو و سایپاست. اما چون پایه این گزارش مستند نبود و ادعا بود، برای رسیدن به مقصود شان به جعل و تحریف متوسل شدند. روزنامه‌ای که نخست



این گزارش را تنظیم کرد مجموع حقوق پرداختی به کلیه کارکنان این دو موسسه را بر تعداد آن تقسیم کرد و از رقمی که به دست آورد نتیجه گرفت که حقوق کارگران بین ۴۵ تا ۶۵ هزار تومان است.

گزارشگر البته هیچ اشاره‌ای به حقوق کارگرانی که در خودروسازی‌های خصوصی و قطعه‌سازی‌ها کار می‌کنند و تعداد آنها را نیم میلیون تخمین می‌زنند نکرد.

بدنبال این گزارش خبرگزاری ایلنا به سراغ کارگران این شرکتها رفت و گزارشی میدانی از حقوق و دستمزد آنها تهیه کرد که معلوم شد گزارش آن روزنامه که توسط روزنامه‌هایی از همان جنس باز نشر شد تا چه اندازه سفارشی و بفرموده است.

ایلنا در گزارشی که با عنوان:

معمای فیش‌های حقوقی در خودروسازی/ حقوق ۲۰۰ مدیر برابر حقوق نصف کارگران

منتسر کرد نوشت: "عجیب است که در شایعات مطرح شده، به این اشاره نشده است که مجموع حقوق حدود دویست مدیر میانی و رده بالای مجموعه به اندازه جمع حقوق دریافتی نیمی از کارگران عادی شرکت است"

"و در ادامه به نقل از یکی از کارگران شرکت افزود

یکی از کارگران با ۱۰ سال سابقه قراردادی شرکت ایران خودرو با نشان دادن فیش حقوقی خود اظهار کرد: ما در مجموعه بیش از هزار نفر (۱۰ تا ۲۰ درصد نیروها) کارگر پیمانی و شرکت‌های خدماتی و پیمانی اقماری داریم که مزد برخی از آنها زیر ۱۰ میلیون تومان است و وضعیت آنها در مقایسه با سایر کارگران قراردادی شرکت نامناسب است. اما باقی نیروهای قراردادی نیز حقوق چندانی نسبت به بسیاری از صنایع مشابه "با درجه سختی کار شبیه به خودروسازی نمی‌گیرند"

یکی از کارشناسانی که در قسمت کارشناسی و اداری کار می‌کند و با مدرک ارشد مکانیک با گرایش طراحی خودرو از یک دانشگاه دولتی استخدام شده، به خبرنگار ایلنا می‌گوید: "دریافتی او حدود هفده میلیون تومان است و می‌افزاید: ... میزان دریافتی من به سختی کفاف یک زندگی معمولی در تهران را می‌دهد"

عده‌ای نیز در این شرکت که در بخش فنی کار می‌کنند و هم سابقه طولانی کار دارند و در رشته خودشان صاحب مهارت هستند، ۳۰ تا ۴۰ میلیون حقوق می‌گیرند ولی تعدادشان نسبت به کل کارگران اندک است.

این گزارش در واقع هم بخشی از رقابت‌ها و جنگ قدرت در میان سرمایه‌داران بزرگ برای تسلط بر صنعت خودرو سازی است و هم تلاشی است برای کمک به پیشبرد و جا انداختن سیاست کاهش دستمزدهای زیر خط فقر و سرکوب دستمزدی و سمت دادن به مشتریان خودرو سازی‌ها که از گرانی و کیفیت خودروهای ساخت داخل ناراضی‌اند و می‌توانند مفت و مجانی در خدمت اهداف جریان‌اتی قرار بگیرند که هم بر سر تصاحب شرکت‌های دولتی با هم در جنگ و ستیز هستند و هم سیاست سرکوب دستمزدی را می‌خواهند جا بیندازند و با اعتراضات معیشتی فراگیر مقابله کنند. اگر اشکالی در کار خودروسازان هست، که حتمی هم هست، ربطی به دستمزد های عموماً زیر خط فقر کارگران ندارد و انگشت اتهام را باید بسوی حکومت و سرمایه‌داران کلان رانتی نشانه گرفت.



مبارزه برای آزادی معلمان، کارگران و زندانیان سیاسی را گسترده و سراسری کنیم!
از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!
علیه تغییرات ارتجاعی در قانون کار و تامین اجتماعی متحدانه مبارزه کنیم!

گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته



ادامه اعتراضات کارگران در شرکتهای نفتی

اعتراضات کارگران در شرکتهای نفتی با وجود گذشت سه ماه از آنها در این هفته نیز در شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آماجری، ارکان ثالث و پیمانکاری پالایشگاه پنجم، ششم و هشتم مجتمع گاز پارس جنوبی و در شرکت فلات‌قاره جزیره لاوان، در ۱۳ و ۱۵ بهمن با تاکید کارگران بر ادامه دادن به اعتراضات شان تا رسیدن به خواسته‌های خود دنبال شد.

بنا به گزارش کانال تلگرامی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، مطالبات کارگران حذف سقف حقوق، اصلاح کف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، اجرای کامل ماده ۱۰، پرداخت بک پی ماده ۱۰، عدم تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی و عدم دست‌درازی به صندوق بازنشستگی نفت، هستند.

همچنین بنا به گزارش خبرگزاری ایلنا کارگران ارکان ثالث در ۱۷ بهمن به تهران آمدند و در مقابل ساختمان وزارت نفت با برگزاری تجمع اعتراضی خواستار رسیدگی مدیریت شرکت نفت به مطالبات خود شدند. ایلنا در گزارش خود نوشت:



این کارگران قبل از هر چیز خواستار «حذف پیمانکار تامین نیروی انسانی» و برقراری عدالت در زیرمجموعه "وزارت نفت شدند"

ادامه اعتراضات گروه های مختلف بازنشستگان

اعتراضات خیابانی گروه های مختلف بازنشستگان همچون. بازنشستگان تامین اجتماعی، فرهنگی، کشوری، فولاد و مخبرات در شهرهای مختلف در این هفته با وسعت بیشتری ادامه پیدا کرد. بازنشستگان شرکت کننده در اعتراضات این هفته علاوه بر درخواست افزایش حقوق های بازنشستگان، همسان سازی، بیمه کارآمد خواستار پرداخت عیدی به بازنشستگان به اندازه کارگران شاغل شدند. گفتنی است که عیدی قانونی کارگران معادل دوماه حقوق می باشد، اما دولت قصد ندارد به بازنشستگان بابت عیدی حقوق دو ماه را بدهد. بازنشستگان که از کمی حقوق و گرانی دارو و درمان و سایر هزینه های زندگی به تنگ آمده اند، پس از شنیدن این در تظاهراتشان خشم و اعتراض خود به دولت را با طرح شعارهای به مراتب تندتری از گذشته بروز دادند و خواهان اتحاد بازنشستگان شدند

"برای ریشه کن کردن فقر و نداری، نابرابری و تبعیض، اتحاد اتحاد"

مهاجرت کارگران ایرانی به کشورهای حوزه خلیج فارس

بنا به گزارش ایلنا در سال گذشته به علت سطح پایین دستمزد کارگران برای کار به کشورهای حوزه خلیج فارس، ترکیه، عمان و عراق مهاجرت کرده اند. در گزارش از جمله به مهاجرت ۶ تا ۷ هزار کارگر برای کار به عراق اشاره شده است. گفتنی است که سطح دستمزد در اکثر کشورهای همسایه و منطقه بیشتر از ایران و در کشورهای حوزه خلیج فارس چند برابر ایران است

: به نوشته خبرگزاری ایلنا

حدود ۶ تا هفت هزار نفر از کارگران ایرانی هم اکنون در کشور عراق فعالیت دارند و برخی کارگران "متخصص روزانه چهار میلیون تومان دستمزد می گیرند درحالیکه همین کارگران متخصص در کشورمان "روزانه ۲۸۵ هزار تومان حقوق دریافت می کنند

در همه ی کشورها سرمایه داران بدون استثناء کارگران را استثمار می کنند. اما همین گزارش کوتاه شدت استثمار کارگر در ایران نسبت کشورهای دیگر را نشان می دهد

کارفرمایان و سرمایه داران بزرگ ایرانی در حالیکه که غرق در ثروت هستند و غالباً زندگی های لاکچری دارند هنگام تعیین دستمزد آه و ناله راه می اندازند و ادعا می کنند، تولید مقرون به صرفه نیست و نمی توانند دستمزد ها را افزایش دهند و گویا برای رضای خدا کارخانه باز کرده اند. اما چگونه است که تولید با وجود پرداخت دستمزدهای چند برابر در کشورهای همسایه برای کارفرمایان مقرون به صرفه است، اما در ایران مقرون به صرفه نیست؟ اگر این طور است پس این همه ثروت را آنها از کجا آورده اند؟

کاهش عیدی بازنشستگان

به رغم تظاهرات همه روزه بازنشستگان برای افزایش حقوق و افزایش سرسام آور هزینه های زندگی و کاهش ارزش ریال، دولت عیدی امسال بازنشستگان را کاهش داده است. این در حالی است که بازنشستگان خواستار پرداخت عیدی معادل دو ماه حقوق بازنشستگی هستند



وزیر کار درباره عیدی بازنشستگان گفت: عیدی بازنشستگان هم بر اساس مصوبه هیات وزیران برای هر " نفر معادل ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان، به ازای همسر ۷۰۰ هزار تومان و به ازای هر فرزند تحت تکفل "هم ۳۰۰ هزار تومان پرداخت می‌شود

گفتنی است عیدی بازنشستگان نسبت به سال گذشته به کمتر از نصف کاهش یافته و عیدی کارگران نیز نه بر اساس دستمزد و حقوق، بلکه بر اساس پایه دستمزد و بدون مزایای شغلی نقدی پرداخت خواهد شد.

کارفرمایان ۹۳ هزار میلیارد تومان بابت بدهی بیمه به تامین اجتماعی بدهکارند

تنها دولت نیست که با دست درازی بر صندوق تامین اجتماعی و ندادن سهم حق بیمه خود صندوق ذخیره تامین اجتماعی را مفلس کرده است. حالا طبق گفته " محمد محمدی" معاون مدیر عامل تامین اجتماعی کارفرمایان نیز ۹۳ هزار میلیارد تومان به صندوق تامین اجتماعی بدهکارند. این رقم تازه بعد از بخشودگی و تخفیف داده شده در حق بیمه به کارفرمایان است. مبلغی که فکر می‌کردند بالاخره توسط دولت از کیسه تامین اجتماعی پرداخت خواهد شد و از پرداخت آن تا کنون طفره می‌رفتند. حالا کفگیر دولت به ته دیگ خرده و می‌خواهد این بدهی‌ها را پس بگیرد. اما اینکه بعد از وصول به صندوق تامین اجتماعی واریز شود و یا صرف امور دیگری گردد، تردید وجود دارد.

افزایش هزینه دارو و درمان بازنشستگان به رغم داشتن بیمه درمانی

یک بازنشسته کارگری از هزینه‌های سنگین درمان انتقاد کرد.

احمد، بازنشسته کارگری، در تماس با خبرنگار ایلنا از هزینه‌های بالای درمان در بیمارستان‌های دولتی انتقاد کرد؛

این بازنشسته اضافه کرد: سر جمع این هزینه‌ها شد ۶۴۵ هزار تومان، معادل دو روز مستمری بازنشستگی من بازنشسته‌ی تامین اجتماعی

یکی از پرستاران استان لرستان: از اضافه‌کار اجباری و تعرفه‌های ناچیز به ستوه آمده‌ایم

زهرا، یک پرستار شاغل در یکی از بیمارستان‌های دولتی استان لرستان، با اشاره به حضور خود و همکارانش مقابل دانشگاه علوم پزشکی استان در روزهای گذشته گفت: پرستاران لرستان مجبور به اضافه‌کار اجباری هستند با ساعتی ۱۲ تا ۱۶ هزار تومان. ما بارها به این قضیه اعتراض کرده‌ایم اما صدایمان شنیده نشده است.

این پرستار تاکید کرد: جمعی از پرستاران شاغل در بیمارستان‌های مختلف استان به دانشگاه علوم پزشکی مراجعه کردیم اما پاسخ روشنی به ما ندادند

تجمع اعتراضی پرسنل بیمارستان‌های خوزستان در اعتراض به اخراج از کار

شماری از پرسنل بیمارستان‌های شهرستان‌های شادگان، آبادان و خرمشهر که در آستانه تبدیل وضعیت اخراج شده‌اند، روز چهارشنبه با برپایی تجمع مقابل دانشگاه علوم پزشکی آبادان خواهان رسیدگی مسئولان به مطالبات خود شده‌اند. حدود ۱۵۰ نفر از کادر درمان این شهرستانها بعد از هشت سال سابقه



خدمت و چند سال نبرد با کرونا از کار اخراج شده‌اند در حالی که منتظر تبدیل وضعیت قراردادهای شغلی خود بودند. به گفته یکی از معترضان، اخراج کادر درمان در حالی که به بهانه مشکلات مالی بیمارستان‌ها صورت می‌گیرد، که هر ماه میلیاردها تومان اختلاس در دانشکده علوم پزشکی آبادان اتفاق می‌افتد

در همبستگی با اعتصاب کارگران خدمات زمینی شرکت هواپیمایی لوفت هانزا

اعتصاب ۲۷ ساعته کارگران بخش زمینی شرکت هواپیمایی لوفت هانزا باعث لغو صدها پرواز از روز گذشته شده است. نزدیک به ۹۰ درصد از پروازهای این شرکت لغو شده‌اند و این اعتصاب می‌تواند به انحای اگر لوفت هانزا نسبت به مطالبات کارگران (Verdi) مختلف ادامه یابد. به گفته اتحادیه کارگری وردی اقدام‌نکند اعتصاب می‌تواند گسترش یابد. اعتصاب ۲۷ ساعته کارکنان زمینی لوفت هانزا به دلیل عدم پاسخگویی مناسب هیئت مدیره شرکت نسبت به مطالبات طرح شده طی مذاکرات جمعی صورت گرفته است و سندیکای وردی گفته است که اگر شرکت پیشنهادات قبلی خود، از جمله در مورد افزایش دستمزدها، را به میزان قابل توجهی بهبود نبخشد، این اعتصابات می‌توانند متعددتر و طولانی‌تر شوند. نمایندگان اتحادیه وردی مدیریت لوفت هانزا را به بی‌احترامی با کارکنان خود متهم کرده‌اند و خواستار پایان یافتن به استانداردهای دوگانه در برخورد به پرسنل بخش پرواز و زمینی، بهبود شرایط کار، بهبود خدمات به مسافران و افزایش دستمزدها می‌باشند

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه حمایت و همبستگی خود را با همقطارانمان در اتحادیه کارگری خدمات آلمان (وردی) اعلام می‌کند. سندیکای کارگری وردی در گذشته همواره از سندیکای کارگران شرکت واحد و حقوق کارگران حمل و نقل و طبقه کارگر ایران بطور عموم دفاع کرده و برای آزادی کارگران زندانی اقداماتی نیز صورت داده است

همبستگی میان ما کارگران مرز نمی‌شناسد، و بهبود وضعیت کارگران در هر کشوری به کل جنبش کارگری و موفقیت آن یاری میرساند

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۱۹ بهمن ۱۴۰۲

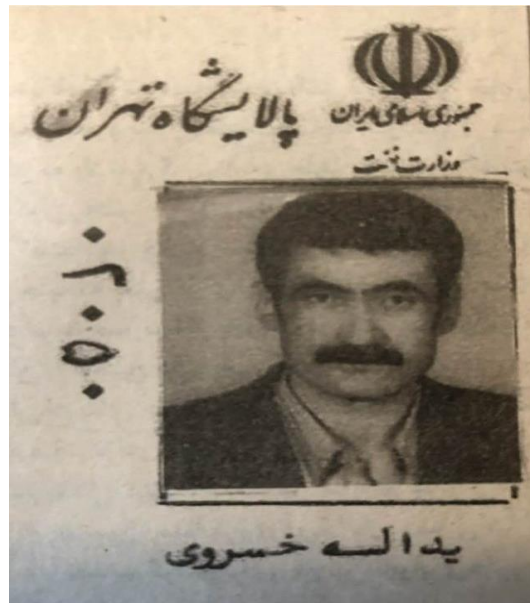


برگزاری جلسه دادگاهی فعالین صنفی فرهنگیان گیلان

فرهنگیان و وکیل، دفاعیات خود را در جلسه رسیدگی به صورت شفاهی اعلام داشتند و تاکید داشتند بر مراتب قانونی که برگزاری راهپیمایی یا تجمع در جلوی اداره کل آموزش و پرورش به موجب اصل ۲۷ قانون اساسی جرم نمی باشد و دفاعیات توسط معلمان و وکیل به صورت لایحه ارائه شد.

لازم به ذکر است که روز تجمع نه تنها هیچ گونه اخلاقی در ایاب و ذهاب شهروندان ایجاد نشده و شکایتی مبنی بر خلل در امور هم در این پرونده ثبت نشده است. و همچنین از سه نفر معلمان که در حال گذراندن محکومیت یکساله شان در زندان لاکان رشت بسر می برند فقط آقای عادل که در مرخصی بودند از خود دفاع کردند، آقای صدیقی پور و آقای قاسم زاده در جلسه رسیدگی حضور نداشتند.

اخراج و اعمال مجازات های غیر قانونی علیه فعالین صنفی فرهنگیان را متوقف کنید!



فوریه سالگرد چهاردهمین سالگرد رفتن یداله خسرو شاهی (خسروی) است

از صفحه فیسبوک محمد صفوی:

فوریه سالگرد چهاردهمین سالگرد رفتن یداله خسرو شاهی (خسروی) است . یداله خسروشاهی (۱۳۲۱-۱۳۸۸) زندانی دو نظام شاهنشاهی و حکومت اسلامی ، دبیر سندیکا کارگران نفت در دوره شاه . دبیر و منتخب شوراهای کارگری نفت بعد از انقلاب ۵۷

سازمانده کارگران نفت و بسیج کننده نفتگران در هر دو دوره حکومت های شاه و اسلامی ، در پالایشگاه های آبادان و تهران . متولد ۱۳۲۱

مرگ به دلیل حمله مغزی در ۱۵ بهمن ۱۳۸۸ در بیمارستانی در لندن . گریز از ایران سال ۱۳۶۷ . در خارج سازمانده انجمن کارگران پناهنده ایرانی و بنیاد کار ، ارتباط با سازمان جهانی کار در ژنو و افشای رژیم اسلامی و شوراهای اسلامی کار . و معرفی کارگران و فعالین مستقل ایرانی به سازمان جهانی کار و جنبش کارگری خارج کشور در کشورهای مختلف . خاطرات و تجربیات قلمی شده او در کتابی که به همت هوشنگ انصاری گردآوری شده گنجینه مهمی از تاریخ نگاری کارگری و مبارزات کارگران صنعت نفت ایران است . یادش گرامی 🌹

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>